

باسمه تعالی

- ۱..... استعمال لفظ در بیشتر از یک معنا
- ۲..... دفع توهّم
- ۲..... جواب اول مرحوم اخوند
- ۲..... بررسی استاد
- ۳..... جواب دوم مرحوم اخوند
- ۳..... فرع فقهی به عنوان ثمره بحث

موضوع: بررسی اقوال / استعمال لفظ در بیشتر از یک معنا / مقدمات علم اصول

خلاصه مباحث گذشته:

بحث در استعمال لفظ در اکثر از معنا تمام شد و ادعای مجوزین این بود که استعمال لفظ در اکثر از معنا مانع عقلی و لغوی ندارد و این امر واقع است در میان مستعملین چه بسا افراد ادیب بعضی از الفاظ را میگویند و چند معنا از آن اراده میکنند و اگر شما هم دقت کنید احیانا به این مطلب میرسید و لو اینکه زیاد نیست. اینکه مرحوم اخوند فرمود خلاف وجدان است درست نیست بلکه جوازش وجدان است ولی نادر است و به خاطر این ندرت حمل یک لفظ بر دو معنا خلاف ظاهر است و نکته و قرینه میخواهد مثلا کل شی طاهر حتی تعلم انه قذر بعضی بر سه معنا حمل کرده اند ولی این نادر است و نیاز به نکته دارد. پس استعمال لفظ در بیشتر از یک معنا هم عقلا جایز است و هم در لغت جایز است ولی نادر است.

استعمال لفظ در بیشتر از یک معنا

استخدام و ایهام کنایات در استعمالات عرفی از نوع استعمال لفظ در بیشتر از یک معنا نیست و همان استعمال لفظ در یک معنا است.

دفع توهّم

مرحوم اخوند^۱ در این جا توهمی را دفع میکند و توهّم عبارت است از اینکه روایات خبر میدهد از وقوع استعمال لفظ در بیشتر از یک معنا. زیرا در روایات آمده است که قران هفت بطن دارد یا هفتاد بطن دارد که این عبارت یعنی همان استعمال لفظ در بیشتر از یک معنا است

جواب اول مرحوم اخوند

این روایات دلالت ندارد که این الفاظ در بیشتر یک معنا استعمال شده است و اثبات بطون عدیده دلیل بر استعمال نمیشود و با غیر استعمال نیز سازگاری دارد زیرا ممکن است که مراد از بطون معانی است که در هر تکلم و وحی مراد بوده است ولی نه از لفظ. گر چه لفظ را در آن معانی استعمال نکرده است یعنی میتوان با استعمال یک لفظ در یک معنا چند معنای مرتبط به آن لفظ را اراده کرد نه اینکه آن را در معانی دیگر نیز استعمال شده باشد. مثلاً و الشمس و ضحاها در همین شمس ظاهری استعمال شده است ولی در آن زمان این را اراده کرده است که منظور پیامبر بوده است. پس بطون معانی مراده هستند نه معانی مستعمل فیها باشد و چون ظاهر لفظ نیست و خفی است به آنها بطون میگویند.

بررسی استاد

این معنای مرحوم اخوند به ظاهرش بعید است و با ظاهر روایات سازگاری ندارد زیرا آن روایات میخواهد عظمت قران را بیان کنند این که همزمان در حال اراده کردن یک معنا معانی دیگری را اراده کند که عظمت نیست زیرا بعضی از مردم نیز این کار را میتوانند انجام دهند

پس مرحوم اخوند نمیخواهد بگوید که مراد از بطون مجرد اراده کردن معانی دیگری است بلکه میخواهد بگوید که آن معانی دیگر نیز قابل انطباق نیز هست ولو اینکه استعمال در آن نیست ولی قابل انطباق هست. مراد از بطون معانی هستند که لفظ قابل انطباق بر آنها هست گر چه در آنها استعمال نشده است.

خلاصه: در قران معانی دیگری هست که میتواند مراد خدا باشد نه مستعمل فیه. اما به نظر ما این است که قران ظاهر و باطن دارد بعید است که منظور از بطن مراد است نه استعمال. البته مرحوم اخوند که چاره نداد این توجیه را دارد ولی ما که این چاره را نداریم میگوییم در بطون دیگر نیز استعمال شده است و در صورت تنبه به آن پی میبریم.

^۱ کفایه الاصول، آخوند خراسانی، ج ۱، ص ۳۶.

جواب دوم مرحوم اخوند

ایشان فرموده است منظور از بطون یعنی لوازم. یعنی لازمه ان معنای ظاهراست. اراده شده است نه به عنوان مستعمل فیه بلکه به این معنا که از لواز معنای مستعمل فیه باشد و لازمه که مستعمل فیه نیست.

این معنا دوم ابعاد از معنای اول است و این معنا خلاف چیزی است که در خارج اتفاق افتاده است و در هیچ روایتی نداریم که ائمه ان بطون را بیان کرده باشند و به گونه ای باشد که لازمه باشد بلکه وقتی بطون را بیان میکنند بیان معانی عرضیه است و به نحو طولی دیده نمیشود و این توجیه کلام مرحوم اخوند بافیدنی است.

حاصل کلام: ادعای ما این است که ظاهر این روایات و لو بعضا در استعمال لفظ در بیشتر از یک معنا است حال اگر قابل اخذ باشد فهو و الا از ان رفع ید میکنیم مرحوم اخوند که ان را قابل اخذ نمیداند ان را توجیه میکند.

فرع فقهی به عنوان ثمره بحث

اگر استعمال لفظ در بیشتر از یک معنا ممکن باشد و در قرائت قران قصد انشا بشود جایز است و در حالی که قرائت میشود هم قصد قران میشود و هم دعا و درخواستی از خدا باشد و اگر استعمال لفظ در بیشتر از معنا جایز نباشد باید حمد را به عنوان سوره قران قرائت شود و نمیشود معنا ان ها را نیز قصد بشود.